

دروود به خلق بپا خاسته ایران! مردم دلیر اصفهان افتخار شما راست که باقیام خود لوزه بر اندام شاه خائن انداختید!



صحنه ای از مبارزات مردم شیراز

دروود به مردمی که مسلحانه مبارزه با مزدوران ارتجاع برخاستند یاد شهیدان خلق جاودان خواهد بود!

بازاری، زن و مرد، همه بپا خاستند و در نبردی عظیم نیروهای سرکوبگر رژیم را عاجز و درمانده، بعقب راندند. مردم با آنچه در دسترس داشتند، مسلح شدند تا پاسخ شایسته‌ای به مزدوران محمد رضا شاه بدهند. در برخی نقاط اصفهان مبارزه بشکل مسلحانه بین مردم و پلیس جریان یافت. هر گوشه شهر صحنه مبارزه‌ای خونین بود و بسیاری از مزدوران حکومت جنایتکار شاه به سزای اعمال ضد خلقی خود رسیدند و کیفر جنایات خود را دریافت کردند. مراکز رژیم، مقر دستگاه‌های دولتی و نظامی شاه، بانک‌های غارتگر وابسته و امپریالیستی، اماکن فساد و مراکز خوشگذرانی مزدوران امریکائی در این شهر بدست توانمندی مردم با خاک یکسان شدند. بعنوان نمونه، مقر رستخیز، هتل شاه عباس، هتل پل، اکثر بانک‌ها و شعب آنها در اصفهان، برخی مراکز وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی و... که مورد حمله و نفرت بحق توده‌های زحمتکش مردم هستند، با اراده آنان و بدست خودشان نابود شدند. در اصفهان مردم با مبارزه خود بصدای رسا، خواسته‌های خصام مسرمد ایسران را اعلام داشتند و تا پای جان برای تحقق آنان کوشیدند و با نثار کردن خون بیش از ۱۰۰۰ نفر شهید براه انقلاب ایران، پایداری خود را نشان دادند. در نتیجه این مبارزه سرخساخته، این مامورین مزدور رژیم بودند که ناتوان از سرکوب خلق بپا خاسته عقب نشستند و اصفهان بمدت ۱۸ ساعت در دست مردم بود. رزمشان پاینده و یاد شهیدانشان گرامی باد. شاه مزدور که نتوانسته بود بر آتش خشم مردم و شعله سرکش مبارزه شان غلبه کند به

بقیه در صفحه ۲

نمود. اما علیرغم اعلام علنی و رسمی حکومت سرنیزه در اصفهان و حومه آن مبارزه همچنان ادامه یافته و اوج بیشتری گرفته است. بدست نیال اعلام حکومت نظامی در اصفهان، در سایر شهرهای ایران نیز دهها هزار انسان زحمتکش برای مبارزه علیه رژیم منفور شاه خائن بپا خاستند و ایران را بمحینه پرشکوهی از تظاهراتهای خونین تبدیل نموده‌اند. مردم ما در این مبارزات نشان دادند که با وجود خونریزیهای بی حساب مزدوران جنایتکار شاه، از پای نمی‌نشینند و حاضرند تا در راه کسب استقلال و دموکراسی تا پای جان مبارزه کنند و به اهدای خود دست نیابند. یاد تمام شهیدان راه آزادی و استقلال ایران جاودان و پرچم مبارزه‌شان برافراشته باد.

موج توفنده مبارزات اخیر از روزه‌های ۱۹ مرداد در شیراز، شهرهای اصفهان، تهران، کازرون، قزوین و... صحنه مبارزات خونینی بین مردم دلیر و از جان گذشته ایران و ماموران پلیس و گارد ویژه شهربانی، اینچاق بدستان رژیم شاه، بود و مبارزه علیرغم بسیار کسانی که بدست این جانان بخاک افتادند و خون پاکشان خاک میهن را گلگون نمود، همچنان ادامه پیدا کرد. مطابق اخبار رسیده تا قبل از روز ۱۹ مرداد در این نبردها و بخصوص در اصفهان و شیراز متجاوزان ۷۰۰ نفر از مردم دلیر ایران جان باختند تا پرچم سرخ انقلاب را گلگون نمایند. خاروشان جاوید باد!

در روز ۱۹ مرداد، اصفهان یکپارچه به قیام برخاست. مردم مبارز اصفهان، کارگران زحمتکش، دانشجویان و محصلین، روحانی و

امروز ایران در آتش مبارزه و قیام های خونین توده مردم میسوزد. مردم ما از هر سو بپا خاسته‌اند تا نشان دهند که دیگر هیچ وجه حاضر به قبول حکومت جلادان و قداره‌بندان پهلوی نیستند و مصممند تا با سرنگونی این حکومت و قطع دست اربابان امپریالیست استقلال و دموکراسی را برای ایران کسب کنند. در هر گوشه میهن ما، توده خشمگین عرصه خیابانها و شهرها را با مبارزه پرشور خود پر کرده و با فریادهای

"مرگ بر شاه" "مرگ بر امپریالیسم"
"دست تاراجگریانکی از ایران کوتاه"
"سرنگون باد حکومت منفر پهلوی"

عزم و اراده خود را برای پایین کشیدن داروغه شاه و وطن فروش محمد رضا شاه، اعلام میدارند. دو هفته اخیر میهن ما صحنه مبارزات وسیع و گسترده‌یی بود که در ادامه خیزشهای چند ماهه اخیر و بمنابیه نقطه درخشانی در این میان خودنمایی کرده است. این موج مبارزه که همچنان ادامه دارد اکثر شهرهای ایران را فرا گرفته است. بخصوص در اصفهان این مبارزه به قیامی عظیم مبدل شد تا تمامی روحیه و اراده بیکارجویانه مردم زحمتکش و قهرمانان ایران را نمایش دهد و نفرت آنان را از حکومت محمد رضا شاه خائن بظهور برساند. رژیم شاه پس از تلاش فراوان برای خاموش ساختن آتش این مبارزات و پس از آنکه نیروهای پلیس و گارد ویژه شهربانی از سرکوب جنبش عاجز ماندند، ارتش ارتجاعی خود را وارد صحنه کرد و از روزه ۲۲ مرداد در اصفهان و سپس از روز ۲۲ مرداد در شهرضا، نجف آباد و همایون شهر، حکومت نظامی اعلام

سرنگونی قهری رژیم فاشیستی - سلطنتی و مزدور پهلوی تنها راه کسب آزادی و استقلال و دموکراسی است!

عز آز

ماهنامه

کنفدراسیون محصلین و دانشجویان ایرانی
(برای احیای سازمان واحد جنبش دانشجویی)

Shānzdahomē - Azar
Monthly Bulletin Of Confederation
(National Union) Of Iranian Students

مرداد ۱۳۵۷
اوت ۱۹۷۸

نوع العاده

جنبش خلق وحدت نیروهای انقلابی را میطلبند

در روزهای اخیر عرصه ایران به میدان یک جنگ مهم و تعیین کننده تبدیل شده است. امروزه دیگر ایران رنگ دیگری دارد، و بوی دیگری میدهد، نام ایران بار دیگر در جهان زنده شده است و نهال انقلاب از ایران سر در آورده و جوانه میدهد. آخرین قیام پر شکوه خلق ما در اصفهان نهال تازه‌ای بود که زنده بودن خلق ایران را نشان داد، خلق مابانشار خون هزاران تن از راهروان خود، توانست مشقت محکمی بر فرق ارتجاع خونخوار محمد رضا شاهی و رمانیکه نیروهای خصم مجهز به تانک و مسلسل و هلیکوپتر و بمب‌های آتشنا برای مدتی موثرتعیات ارتجاع را در اصفهان "روبراه" کردند، شهرکها و دهستانهای اطراف اصفهان سر بطنیان برداشتند. سراسیمگی و زخمهای بی در پی هیکل یوسیده دستگاه حاکمه خونخوار را در هم کوفت و بهم پیچاند. اینبار دیگر وضع مانند گذشته نه چندین دور - چندماه پیش - نبود، بلکه پابریهنگان و شکم گرسنگان اصفهانی اینبار گامی نوین در این صحنه بیکار دنباله دار برداشتند و این بود که بیش از هر موقع دیگر ارتجاع محمد رضا شاهی را به هراس، هراسی ناشی از شنیدن ناقوس مرگ زانو وار ش، واداشت. آری اینبار خلق ستمدیده ایرانی دست به بیکار مسلحانه توده‌ای زد. اینبار سلاح در دست گرفت، تا جواب سلاح ارتجاع را با سلاح برنده انقلاب بدهد. دیگر صحنه به جدال میان "ضعیف" و "قوی" ختم نیافت، بلکه جدالی شد میان "ضعیفی" که نیرو میگیرد و "قوی" ایکه ضعیف میگردد. خلق دلاور ما بالاخره تجارب خونین گذشته خود را بکار گرفت و راه پیروزی را برای یک انقلاب ظفرمند در ایران هموار ساخت. آری، اصفهانیان دست به سلاح بردند، و هر چند مقیاسی که این مبارزه مسلحانه توده‌ای داشت بزرگ و کافی نبود، ولیکن خود گامی بود در راه نجات ایران از بختک صاحبان قدرت و سز نوشت ایران. ستمدیدگان ایران نه تنها به در بند بودن خود واقف شده‌اند، بلکه همانا راه رهائی از بند را نیز یافته و می یابند. بدنبال اصفهان، شیراز و بدنبال آن نجف آباد و... و دیگر جاها بپا خاستند. دانشگاه تبریز به پشتیبانی رزمندگان اصفهانی دست به اعتصاب زد و هزاران بیکار خرد و کلان دیگر اتفاق افتاد که ما تنها از گوشه‌یی از آنان باخبر

بقیه در صفحه ۳

درود...

آخرین حربه خود، یعنی اعلام رسمی حکومت نظامی دست زد تا با برقراری علنی حاکمیت سر نیز بر زندگی مردم ما بتواند جلوی گسترش مبارزه مردم را بگیرد. شاه که همین یک هفته پیش از این مسزورانه علم "دموکراسی" را بلند کرده بود، مجبور شد تا چهره واقعی "آزادی" اعطا شده بوسیله استبداد آریامهری را بمردم نشان دهد. چهره‌ای که درست ۲۵ سال است از پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد، مردم ما از او دیده‌اند و هرگز نتوانسته است با عوامفریبی و تزویر آنرا بپوشاند.

اعلام حکومت نظامی در اصفهان و نیز سخنان سخنگوی مرتجع و مزدور دولت مبنی بر آنکه در هر کجا که تظاهراتی اتفاق بیفتد، حکومت نظامی خواهد شد، نشان از رشد بیسابقه و تحول جنبش و نیز درماندگی بی پایان و زلزله و ضعف دستگاه محمد رضا شاه دارد. سردمداران رژیم بوسیده پهلوی کوشیدند تا با این تهدیدها و عربده کشیدن مردم ایران را بهراسانند. خسته و از ادامه مبارزه شان جلوگیری کنند. اما این خیال باطل تنها می‌تواند در مغز مرتجع اینان راه پیدا کند. ارتجاع در ایسن

خیال بود که با محدود کردن ساعت حرکت مردم در شهر، با منع کردن اجتماعات بیش از سه نفر، با سخت‌تر کردن امکانات برای برآوردن احتیاجات مردم و امثال آن می‌تواند در برابر سیل خروشان مبارزه سدی ببندد. اما تمام اینها تلاشهای بیحاصلی است که خود باعث گسترش و تشدید مبارزه می‌شود. امروزه هر حرکت رژیم شاه خشم و نفرت بیشتری را دامن زده و مبارزه مردم را توسعه میبخشد.

قیام اصفهان برگ زرین دیگری در تاریخ پرافتخار مبارزات مردم ما است. در مرداد ۵۷، مردم ایران بپا خاستند تا نفرت خود را از حکومت محمد رضا شاه که با کودتای مرداد ۳۲ به مردم ما تحمیل شد، اعلام دارند. اعلام دارند که ۲۵ سال حکومت شاه خائن و مزدور، ۲۵ سال غارت و چپاول یا تکیه‌ها از ایران، ۲۵ سال سلطه استبداد و امپریالیسم بر میهن ما کافی است و باید که برای همیشه به آنها پایان داده شود. باید که نیروی قهر انقلابی و با مبارزه مسلحانه توده‌ای، دشمنان مردم ایران نابود گردند. کسب استقلال و دموکراسی برای ایران خواست یکایک مردم تحت‌ستم ما است و برای رسیدن به آن از پا نخواهند ایستاد.

اخبار مبارزات مردم ایران از ۱۹ مرداد

قم:

تظاهرات بزرگی در پشتیبانی از قیام اصفهان برگزار میشود.

قزوین:

۱۹ مرداد - چند تظاهرات گسترده در قزوین بر پا میشود. مردم مبارز این شهر بسیاری از مراکز دولتی و بانکها را با تاش میکنند. سرانجام با مداخله پلیس و تیراندازی تظاهرات پراکنده میگردد.

نجف آباد، شهرضا، همایونشهر:

۲۱ مرداد - تظاهرات وسیعی در این شهر در پشتیبانی از مردم اصفهان بوقوع پیوست. نیروهای پلیس و ارتش به تظاهرات مردم حمله کرده و در نتیجه برخورد خونینی که بوقوع پیوست ۷ نفر به شهادت رسیده و بیش از ۲۴۰ نفر زخمی شدند. از روز ۲۲ مرداد در این شهر نیز حکومت نظامی اعلام گردیده است.

گزارشی...

شدن دانشجویان از ساختمانها جلوگیری به عمل می‌آوردند.

بقیه کماندوها به کمک گارد شهربانی ساختمانهای شماره ۱۴ تا ۲۱ را که ضامن دارای وسیع ترین تعداد دانشجوی بوده و در کنار خیابان امیرآباد قرار دارند محاصره میکنند. در ابتدا کماندوها وارد ساختمانهای شماره ۱۸ تا ۲۱ میشوند و با کوبیدن مشت و لگد بسری درهای اطاقها به دانشجویان میگویند که از اطاق خارج شوند و از محوطه دانشگاه خارج شوند ولی دانشجویان به گفته های آنان اعتنای نکرده و از اطاقها خارج نمیشوند. کماندوها که میبینند که دانشجویان از اطاقها بیرون نمیآیند دوباره فریاد میزنند که اگر بیرون آئید به شما کاری نخواهیم داشت وگرنه درهای اطاقها را میشکنیم و بیرونتان میکنیم در این هنگام دانشجویان از اطاق خارج میشوند کماندوها پس از خارج شدن دانشجویان از اطاقها آنها را در یک صف قرار میدهند و از آنها میخواهند که با دادن شعار "جاوید شاه" از میان دو صف کماندوها عبور کرده و خوابگاه را ترک کنند و آنها را میزنند. کماندوها پس از آنکه تمامی دانشجویان ساختمانهای ۱۸ تا ۲۱ را بیرون کردند بطرف ساختمانهای ۱۴ تا ۱۷ میآیند و پس از محاصره کامل ساختمانها در آنجا شده و حمله وحشیانه خود را به درون اطاقها آغاز میکنند. بی شک این حمله وحشیانه نتا

سفارت شاه خائن در تسخیر جنبش دانشجویی

به ابتکار دانشجویان مبارز ایرانی و با الهام از مبارزات دلاورانه خلق ایران برعلیه رژیم سفاک پهلوی و اربابان امپریالیست آن، چسبیدن از اعضا و هواداران پنج سازمان دانشجویی در یک برنامه متحد لانه جاسوسی رژیم محمد رضا شاه را در بروکسل (بلژیک) در ساعت ۱۰ صبح وقت محلی، روز پنجشنبه ۲۶ مرداد ماه ۱۳۵۷ (۱۷ اوت ۱۹۷۸) به تسخیر درآوردند. پس از مدتی درگیری با پلیس فاشیست بلژیست، غده‌ای از رفقا دستگیر شدند. شعارها شیکه درو دیوار لانه جاسوسی شاه را پوشانیده‌اند از جمله بدین قرارند: سرنگون باد رژیم منفور پهلوی، مرگ بر امپریالیسم آمریکا، زنده باد مبارزات توده‌ای قهرآمیز خلق ایران، آزادی برای کلیه زندانیان سیاسی، زنده باد انقلاب مسلحانه - یگانه راه رهائی خلق. سازمان ما به‌مراهی و هم‌گامی با چهار بخش دیگر جنبش دانشجویی این مبارزه خود را بعنوان مقدمه ای در مبارزات خود در سالروز ۲۸ مرداد خونین انجام داد. نه باشد که در پرتو مبارزات آتی خود و در همراهی با مبارزات دلورا خلق زحمتکشان در راه رهائی میهن از یوغ ارتجاع و امپریالیسم با سرنگون کردن حکومت جا برانه محمدرضا شاهی و تاراندن امپریالیست‌ها از ایران پیروزمند باشیم. رزمنده و پیروز با جنبش دانشجویی ایران

مرداد ۲۰ - علیرغم تمام تهدیدات و برنامه‌های حکومت نظامی یکی از رستورانهای بزرگ اصفهان به‌نگام شب مورد حمله مردم قرار گرفته و طعمه آتش میشود.

۲۲ مرداد - در سومین روز حکومت نظامی در اصفهان در تظاهراتی مختلف مردم شهر و درگیری با ارتش مزدور شاه، ۱۰ نفر به شهادت رسیده و عده بسیاری مجروح میشوند.

۲۳ مرداد - در تظاهرات اصفهان یک نفر از مردم مبارز این شهر شهید میگردد.

۱۹ مرداد - تظاهرات گسترده و وسیعی در شیراز برگزار میشود. مردم شیراز بساز تجمع در مسجد نو، در گروههای وسیع از مسجد خارج شده و به تظاهرات و مقابله و مبارزه با پلیس میپردازند. پلیس فاشیست شاه گروهی از مردم را در قسمتی از مسجد محاصره کرده و میخواهد که مردم بدون تظاهرات و به آرامی خارج شوند. مردم مبارز شیراز از این امر امتناع کرده و در مسجد تجمع میکنند، پلیس به مردم حمله کرده و با آتش زدن بخشی از محل، ۳۰ نفر از مردم مبارز را به شهادت رسانده و بیش از ۳۰۰ نفر را زخمی و دستگیر میکنند.

۲۱ مرداد - مردم شیراز تظاهرات گسترده‌ای در پشتیبانی از قیام اصفهان، اعتراض به حکومت نظامی در آن شهر و نیز اعتراض به سرگزاری جن ارتجاعی فرهنگ و هنر در شیراز برپا میدارند. در زد و خورد با پلیس چندی نفر شهید شده و بسیاری زخمی و دستگیر میگرددند.

۱۹ مرداد - دانشجویان دانشگاه تبریز - تظاهرات وسیعی در پشتیبانی از قیام اصفهان بر پا میکنند.

تهران:

دو تظاهرات وسیع در پشتیبانی از مردم اصفهان و مبارزه آنها برگزار میگردد. پلیس فاشیست وحشیانه به صف تظاهرات حمله ور شده و در درگیری بین مردم و پلیس ۱۰ نفر از مردم مبارز به شهادت میرسند.

۲۲ مرداد - یک رستوران بنام "خان سالار" که محل تجمع امریکائیان مزدور مقیم تهران است، بوسیله بمبی منفجر میگردد. در ایسن انفجار ۱ نفر کشته و ۴۵ نفر و از جمله ۱۰ نفر امریکائی بشدت مجروح میشوند.

اخبار...

نیز اتفاق افتاده‌اند که تمام آنها شانسه روحیه مبارز مردم کازرون و گسترش و توسعه مبارزه در این شهر می‌باشند. در زیر چند واقعه را ذکر می‌کنیم.

یکی از دستگیر شدگان این تظاهرات جوان بسیار کم سن و سالی بوده است که از هنگام دستگیری مرتباً فریاد می‌زده: نمی‌خواهیم، نمی‌خواهیم، و زمانیکه از او سوال میشود چه نمی‌خواهی؟ میگوید: ما شاه نمی‌خواهیم!

زهایی یکی از سرمایه‌داران کازرون است که فروشنده ماشین می‌باشد. او چند روز قبل از تظاهرات میتینگ در پشتیبانی از رژیم برگزار میکند، مردم مبارز کازرون برای هشدار دادن به تمامی کاسه لیسان و مداحان رژیم چند روز بعد تمام اموالش و از جمله انبار یدکی اش را به آتش می‌کشند.

زاهدی رئیس دبیرستان شاکر کازرون می‌باشد که با تظاهراتی مردم و نیز فعالیتهای محصلین مخالفت خود را بیان نموده است. مردم این شهر با رنگ بروی دیوار نوساز مدرسه اش می‌نویسند: "زاهدی، مرکز انتظار توست". این عنصر مفلوک فردای آنروز از ترس مردم ماشینش را برای اینکه در آتش انتقام مردم نسوزد، می‌فروشد.

شایع است که در روز دوم تظاهرات در کازرون جنگلیانی که با اسلحه خود در بازار بوده است توسط مزدوران رژیم شهید میگردد، همچنین گفته می‌شود سرباز آزادیخواهی که از دستور افسر مزدور برای شلیک کردن به مردم سرپیچی مینماید، هم آنجا به شهادت میرسد.

دست تاراجگریانکی از ایران کوتاه!

جنبش ...

اصفهان شعله ور شد و آتش به جان دستگاه درباریان و اربابان امپریالیستش انداخت، تبریز زخم دیگری وارد آورده و شیراز مشت محکمی بر لاشه متعفن ارتجاع وارد کرد و این ماجرا ادامه دارد و هر روزه دمی تازه میکند تساهسه دیگری در صحنه انقلاب ایران بیآفرینند. در شرایطی که بحران سراسر جامعه را در چنگال خود گرفته، زمانیکه رژیم محمد رضا شاه در ضعیف ترین موقعیت خود در ربع قرن اخیر قرار گرفته و چون مار زخم خورده ای بخسود میبویجد، زمانیکه شعله های آتش خشم مردم هر آنچه نشان ارتجاع درباری و بیگانگان امپریالیست است را در التهاب خود میسوزاند، بیاطمینانیت این اصل درست انقلابی در صدر وظایف کنونی جنبش ما، یعنی اصل تمرکز تمامی نیروها برای وارد آوردن پر قدرت ترین ضربه بر علیه ارتجاع و امپریالیسم قرار میگیرد. این اصل انقلابی آنچنان واضح و روشن است که تا کیست مجدد و مجدد بر آن ممکن است مایه لخنسندی تمسخر آمیز گردد. ولیکن چهره نامیمون تفرقه در صفوف جنبش انقلابی خلق ما - که تاخیر بسیار مهمی در تفرقه میان نیروهای جنبشش توده ای مردم ما دارد، همچون سیلی محکمی است که هر فرد دلیسته به استقلال و آزادی ایران را به خود آورد و ما چون برخی دیگر باید افسوس خوریم که در چنین شرایط تاریخی که جامعه ما در آن سیر میکند، و کشتی انقلاب ایران راه خود را میبیماید، میبایست بر این مسئله بظاهر ساده تکیه کرده و بطور نثریات سیاسی جنبش را مصروف آن نمائیم.

امروزه جامعه ما در مرحله ای قرار دارد که سازندگان تاریخش، یعنی اکثریت قریب به اتفاق توده مردم ایرانی، در مبارزات خونین مردم ایران، در مبارزات خونین مردمی که هر روزه، در هر کوی و برزن و هر شهر و ده براه میان دارند و با نیروهای خونخوار رژیم محمد رضا شاهی دست و پنجه نرم میکنند و نیروی خود را میآزمایند و راه خود را در این درگیریها و کشمکشهای مرگ و زندگی می یابند و راه به جلو میکشایند و بیشتر از هر کسی نیاز حیاتی و وحدت در میدان مبارزه را با نشان خونهای خود احساس میکنند، چقدر اسفناک و عبرت انگیز است که جنبش سیاسی رهبری کننده خلق ما نه تنها کوششی جدی برای رفع این مهم نمیکند و بیشتر چقدر تاسف آور است که برخی به این تفرقه و پاره پارگی صفوف جنبش استقلال طلبانه و آزادیخواهانه خلق میخوانند جنبه دائمی بد هند و آنرا توجیه میکنند و برایش تئوری و فلسفه میبافند.

تاسف و بالاتر از آن ضرر در اینست که آگاهانه یا غیر آگاهانه از پویا شدن جنبش ما جلوگیری میکنند و ادامه حیات بیشتری را برای این رژیم خونخوار عملاً قائل میشوند. چه طرح مقولات "ارتجاع مذهبی" و چه طرح "کمونیست های خائن" و مهره ارتجاع و بیگانه نامیدن انقلابیون مذهبی و کمونیست ایران، نه تنها هیچ پایه واقعی ندارد، نه تنها هیچ کمکی به امر تمرکز تمامی نیروها برای وارد آوردن متمرکزترین و قوی ترین فشار و نیرو بر علیه ارتجاع نمیکند، بلکه درست در نقطه مقابل آن قرار گرفته و صدمه های جبران ناپذیری به امر انقلاب ایران میزند. توده های مردم یکتا بیراهن با شوری وصف ناپذیر و ایمانسی چون پولاد صحنه میدان خصم و خلق را در هم مینورددند، و بیش از هر تئوری و هر فلسفه بافی ای و هر قانون و "اصل" سیاسی هر مکتبی نشان میدهند که در عملشان، در مبارزه خود نین خود بر علیه ارتجاع یک تن و یک جان هستند. وحدت خلق بطور غریزی، یعنی بدون تا مین وحدت آگاهانه سیاسی در جنبش سیاسی ایران در میان توده های مردم بصورت یسک جبر واقعی موجود است و هر روزه با نشان قرطره

خونی زنجیرهای متصل کننده اش مستحکمتر می گردند. و چقدر جای تاسف است که باید بسه این واقعیت اذعان شود که بیشتر این سرنیزه ها و مسلسل های ارتجاع در منش پهلوی است که صوف توده مردم را بیک دیگر نزدیک میکنند، تا فعالیت مستمر و پیگیرانه و آگاهانه جنبش سیاسی ایران! این بیانگر ضعف و نه نکات مثبت جنبش ماست. امروزه حتی کسانی یافت میشوند که با طرح مقوله "ارتجاع مذهبی" و یا "کمونیست های خائن" فکر میکنند که بسه انقلاب ایران خدمت میکنند. و چه بیهوده اینکا را میکنند.

رژیم محمد رضا شاه خون آشام که در یک موقعیت بن بست قرار گرفته است چاره حال نزار خود را نه تنها در سر نیزه و خونریزی بی حساب میباید بلکه در عین حال سعی می نماید که در میان صفوف جنبش مردم ایران دو دستگی و چند دستگی پراه انداخته و بنا بر این توان آنرا بگیرد و تضعیف کند. تبلیغات گوشخراش "مار-کسیست های اسلامی" و غیره، همه در خدمت چنین سیاست تفرقه افکنانه رژیم قرار دارند و بنا بر این جنبش انقلابی ما باید با هوشتی سر کامل این دسائس ارتجاع را خنثی نموده و بسا برخوردی اصولی به مشکلات و تناقضات درونی خود مشت محکمی به ارتجاع ایران بکوبد.

آری وحدت در مقابل ارتجاع ایران که بالطبع باید وحدتی آگاهانه و سیاسی باشد امروزه یکی از مبرم ترین مسائل مقابل بسای جنبش خلق ایران است ولیکن باید توجه شود که صحبت بر سر وحدت است و نه سازش و نه کنار گذاشتن اصول انقلابی بخاطر "وحدت".

از وحدت باید آنرا درک کرد که امروزه در خیابانهای شهرهای گوناگون ایران، در تظاهراتها و قیامهای خونین خرد و کلان خلق در مقابل رژیم وجود دارد، و نه اینکه کوره راههای رفرمیستی و مماشات جویانه را بخاطر "وحدت" قبول کرد. وحدتی که جنبش ما می طلبد وحدتی است اصولی برای انقلاب و نه وصله و پینه کردن نظام جاریانه کنونی، و این امر است که باید مورد توجه خاص همگان قرار گیرد.

اختیار ...

گروه دیگری از مردم که بیش از یک هزار نفر بودند بطرف فلکه آستانه رفته و در خیابان حسینی دو بانگ ملی و صادرات را کمالاً درهم شکسته و در فلکه آستانه با پلیس که قبلاً در آنجا مستقر شده بود درگیر شدند. تحت حملات مردم مبارز پلیس عقب نشینی کرد و مردم به آتش زدن ماشینهای پلیس اقدام کردند که یکی از آنها آتش گرفت و بکلی سوخت. بعد از نیم ساعت مبارز بر علیه پلیس، با رسیدن نیروهای کمکی برای پلیس رژیم و تیراندازی آنان بطرف مردم، تظاهرات خاتمه یافت. در حدود ساعت ۱ بعد از نیمه شب نیز عده ای در سه راه احمدی دو ماشین ارتش را آتش زدند و چندین بانگ در خیابان لطفعلیخان زند نیز در همان شب مورد تهاجم مردم قرار گرفت و خرد شد. در این تظاهرات مردم با شعارهای "مرگ بر شاه" - "درد بر خمینی" - "ما پیرو قرآنییم" ما شاه نمیخواهیم" و ... انزجار خود را از محمد رضا شاه و حکومت شان ابراز نموده و خواهش آزادی و استقلال ایران بودند.

آبادان - در ۲۹ تیر ساعت ۸ شب توده ای از مردم در مسجد اصفهانیه آبادان اجتماع می نمایند بعد از ختم سخنرانیها در ساعت ۱۲/۵ حدود ۲۵۰۰ نفر با شعارهای "مرگ بر شاه خائن" و "درد بر خمینی" از مسجد خارج شده بطرف خیابان شاهپور حرکت میکنند. در این مسیر پلیس وحشیانه به تظاهرات حمله ور شده و پس از زدو خورد مردم در کوچه های خیابان شاهپور متفرق میشوند.

۳۰ تیر ساعت ۱۱ صبح در حدود ۲۰۰۰ نفر با شعارهای "درد بر خمینی" و "مرگ بر شاه خائن" از صحنه اصفهانیه بطرف خیابان زند حرکت کرده و در مسیر

خود چند بانگ غارتگر را منهدم مینمایند. بعد از مدتی کوتاه پلیس به تظاهرات حمله کرده و مردم پس از زدو خورد با پلیس پراکنده شدند. میگردند. ساعت ۵ بعد از ظهر در خیابان یک احمد آباد تعداد ۳۰۰۰ نفر بطور ناگهانی تجمع میکنند. در این تظاهرات ابتدا مردان روسپس زنان جوان و در آخر زنان سالخورده قرار گرفته و با شعارهای "درد بر خمینی"، "مرگ بر این حکومت فاشیستی" و "مرگ بر شاه" کلیه بانگها و مشروب فروشیهای موجود در این خیابان را در هم میکنند. هنگامیکه مزدوران ارتجاع به صف تظاهرات هجوم میبرند، زنان سنگهای بزرگی را که در زیر چادر حمل میکردند بیرون آورده و با آنها به پلیس حمله ور میگردند و تعدادی از مزدوران رژیم را زخمی مینمایند، عده بسی از مردم نیز در این گیری مجروح میشوند.

ساعت ۹ شب بعد از ختم جلسه در مسجد بهبهانیه، ابتدا زنان از مسجد بیرون می آیند یک سرهنگ شهربانی که در آنجا بوده و بزنان مبارز اهانت مینماید، بقصد کشتن از زنان شیر دل کتک میخورد و لباسهای پاره پاره میخورد. هنگامیکه خبر این درگیری بداخل مسجد میرسد حدود ۲ تا ۳ هزار نفر بیرون آمده و بدو گروه تقسیم میشوند. گروه اول بطرف خیابان شهرداری رفته و بانگ ملی را که یکی از بزرگترین بانگها آبادان است داغان کرده و سپس هنگامیکه در حال حرکت بودند مورد حمله پلیس قرار میگیرند مردم با رشادت به مقاومت میپردازند و بالاخره هنگامیکه پلیس از گاز اشکآور استفاده میکند، متفرق میشوند.

گروه دوم بطرف مجسمه شاه رفته و قصد بائین کشیدن مجسمه سنگین وی را داشتند که چندصد نفر پلیس مجهز به مسلسل و گاز اشکآور بمردم حمله ور میشوند، درگیری شدیدی روی میدهد و پلیس از صدمه دیدن عده ای از مردم و استفاده پلیس فاشیست از گاز اشکآور مردم متفرق میگردند. ولی مزدوران ارتجاع تا ساعت ۱ بعد از نیمه شب اطراف مجسمه را گرفته و با مسلسل از آن مراقبت مینمایند.

تهران - در روز ۳۰ تیر، حدود ۲۰۰۰ نفر از مردم مبارز تهران، در خیابان هاشمی دست به تظاهرات وسیعی میزنند. مردم با شعارهای "دست تاراجگران بانگی از ایران کوتلساه" و "خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو" در خیابان بحرکت در می آیند. پلیس فاشیست شاه به تظاهرات حمله ور میگردد و پس از مدتی زدو خورد، صف تظاهرات متفرق میشود.

اخبار پراکنده در تاریخ ۲۷ خرداد ماه ۵۷، ۱۲ نفر از دانشجویان آبادان، تحت عنوان آتش زدن بانگها دستگیر میشوند. دانشکده نفت بعنوان اعتراض تعطیل شده و دانشجویان خواستار آزادی رفقای زندانی میشوند.

یکی از افراد گارد دانشگاه جندی شاپور که در جریان مبارزات اخیر (مبارزات فروردین ماه) بشدت تحت تاثیر قرار گرفته بود هنگامیکه به شیشه دانشگاه را شکسته و فریاد میزد "جانم بلیم رسیده، تا کی باید خواهان و برادرانم را بکشم" توسط سایر افراد گارد دستگیر میگردد. بهنگام مبارزات فروردین ماه، تعداد شهدای مبارزه در خیابان نادری اهواز ۸ نفر گفته شده است. پس از آنکه کلیه دکترهای شهزادان جواز دفن، تحت عنوان مرگ طبیعی خود داری میکنند دولت دکتر ارتش را وادار به صدور جواز دفن مینماید. دکتر مزبور بعد از یک هفته فشار روحی که بدلیل این جریان بر او وارد آمده بود، از یکی از رفقایش که افسر شهربانی بود، تحسنت این عنوان که "بگذار ببینم کلت تو چگونه کار میکند" سلاح را گرفته و با شلیک گلوله ای در مغزش خودکشی مینماید.



کازرون - از پس از دهم مرداد ماه در شهر کازرون مبارزات وسیعی بمدت ۴ روز جریان یافته است که در زیر مختصری از این مبارزات را ذکر میکنیم.

روز اول مبارزات هزاران نفر از مردم که از مسجد خارج میشوند با صف مزدوران چماق بدست رژیم رویرو میگردند. مردم مبارز کازرون صدف این مزدوران را در هم شکسته و وارد خیابان شاه میشوند. پس از آنکه مردم یک مفازه مشروب فروشی را به آتش میکشند بطرف سینما داریوش (امینی) حرکت میکنند آنرا نیز نابود سازند در اواسط خیابان پهلوی یک کارگر مکانیسک بنام "منصور زینب" به پلیسی که قصد حمله به مردم را داشته حمله ور میگردد تا سلاح را مصادره کند. افراد پلیس که از ترس خشم مردم در ماشینها پنهان شده بودند بطرف او شلیک کرده و این کارگر زحمتکش شهید میگردد. یکی دیگر از مردم زحمتکش کازرون بنام "نکی سرفرو" نیز که برای دفاع و محافظت از رفیق کارگش منصور بجلو میآید مورد اصابت گلوله قساراز میگردد او نیز به شهادت میرسد. مردم جسد دو نفر شهید عزیزشان را بدوش گرفته و بسا شعارهای "مرگ بر شاه" و "به امر شاه خائن برادرم کشته شد" و ... آنان را حمل کرده و دفن مینمایند.

از آنروز به بعد مردم کازرون خیابان "پهلوی" را بیاد شهید دلورشان، خیابان منصور میباشند و رانندگان تاکسیها فقط در صورتی مردم را به این خیابان میبرند که مسافران آنرا خیابان منصور بنامند. همچنین چند خیابان دیگر را نیز مردم تغییر نام داده اند و از آنجمله خیابان "شاه" است که به نشانه نفرت و انزجار از محمد رضا شاه جلا به خیابان "قائم" تغییر نام داده اند.

روز دوم - در این روز اجتماع مردم از مسجد خارج شده و بسوی میدان "قائم" سرازیر میشوند. استاندار فارس همراه آیت الله "پیشوا" از قبل خود را برای سخنرانی و فریب مردم و خاسوش ساختن آنان آماده نموده اند. مردم دور آنان جمع میشوند، استاندار از آنان میخواهد که به سخنانش گوش دهند ولی مردم قبول نمیکنند. شخصی که قبر کن شهر است بجلو رفته و فریاد میزند: دروغ میگوی، دروغ میگوی و مردم را تأیید حرفهای او میگویند: صحیح است، صحیح است. سپس زرمه ایی بین مردم در میگرد و به مرور بلندتر میشود. مردم میگویند: نمیخواهیم نمیخواهیم، ما ارتش نمیخواهیم، ما شهربانی نمیخواهیم، ما شاه نمیخواهیم، ما از شما هیچ چیز نمیخواهیم. و همان قبرکن دوباره چنین فریاد میزند: "حالا که پای رئیس تون توی پوست هندن وانه است، دارید التماس میکنید؟"

پس از این جریان مردم بدون توجه به التماسهای استاندار به تظاهرات خود ادامه میدهند و طرف بانگها میروند و شیشه های آنها را میشکنند. در این موقع پلیس فاشیست شاه به تظاهرات حمله کرده و پس از درگیری با مردم و پرتاب مقدار زیادی گاز اشک آور، مردم متفرق میشوند.

روز سوم - تظاهرات همچنان ادامه مییابد. این بار زنان زحمتکش کازرون نیز در تظاهرات شرکت مینمایند.

روز چهارم (جمعه) - از ساعت ۸ صبح، زنان در مسجد "آهنگران" تجمع میکنند. در حدود ساعت ۱۰ بین ۲ تا ۳ هزار نفر از زنان زحمتکش در حالیکه عکس گل کاری شده آیت اله خمینی را حمل میکنند، از مسجد خارج میشوند. تظاهرات زنان مبارز با شعارهای "مرگ بر شاه" و "خمینی، خمینی، خدا نگهدار تو" برای مدتی ادامه مییابد.

اگرچه بعد ازین روز تظاهراتهای وسیع فروکش کرده است اما شهر در واقع در محاصره نظامی است و کمالاً بوسیله پلیس محافظت میشود. در طی این مبارزات وقایع مختلفی

مستحکم باد پیوند جنبش توده ای پیاخته با جنبش انقلابی ایران!

گزارشی از تظاهرات خونین کوی دانشگاه تهران

در خرداد ماه

اخبار مبارزات

میهن ما ایران ، در طی چند ماهه گذشته عرصه مبارزات پرشکوه و در عین حال خونینی بوده است این مبارزات که بطور وسیعی در سراسر ایران ، در هر شهرستان و هر کوچه و خیابان جریان یافته است نشان از آن کینه و نفرت انباشته شده بی دارد که در دل مردم ایران نسبت به حکومت محمدرضا شاه موجود است . تمام مردم زحمتکش و تحت ستم ایسران از هر قشر و طبقه و در هر فرصتی بهر شکلی که بتوانند اعتراض خود را علیه حکومت غدارانه پهلوی و مزدوران پهلوی اعلام کرده و با نثار خون خود ، عزم و اراده خود را برای پائین کشیدن این دارو دسته منفور ازاریکه قدرت بیسان میدارند . چکمه پوشان مزدور دربار نیز بنا به بماهیتشان هر حرکت مردم ستمدیده را با گلوله و سرنیزه پاسخ داده و میهن ما را از خسوس شهیدانی که از درون توده بر میخیزند ، گلگون می نمایند . ایران در تلاطم هرگز ندیده بیگرفت است که جز با سرنگون شدن حکومت این مزدوران و قطع دست تمام ازبایان غارتگرشان آرام نخواهد گرفت . این محمد رضا شاه است که ترسان از این خشم خلق و ازین خروش خلق ، زخم خورده و بی تاب فرمان آتش میدهد تا سیل مبارزه را جلو گیرد . اما اینبار سیل خروشان مبارزه می رود تا به طوفان انقلاب بدل شود و کشتی شکسته حکومت ننگین محمدرضا شاه را در هم کوفته و نابود سازد .

در زیر بخشی از اخبار این مبارزات دلیرانه را که بدست ما رسیده است ، در اختیار تمام هم میهنان مبارزو کسانیکه دل در گرو آزادی و استقلال ایران دارند ، می نهیم . روشن است که آنچه در زیر آمده است تنها بیانگر لحظاتی کوتاه و صحنه هایی کوچک و محدود ازین مبارزات میباشد و مردم دلاور ما بسیار بیشتر ازین به

که در ساعت ۱۹ صبح روز پنجشنبه ۱۱ خرداد ماه در محل سرپرستی خوابگاه پسران اجتماع کنندگان تا پیرامون اختناق حاکم بر کوی دختران بسا سرپرست خوابگاه پسران " کیومرث هوشیار " گفتگو کنند . در تاریخ تعیین شده حدود ۳۰۰ تن از دانشجویان دختر و پسر در محل سرپرستی تجمع میکنند . سرپرست خوابگاه به عللی " نامعلوم " در این جلسه شرکت نمیکند و به جای خود معاضد و نیشن را برای گفتگو میفرستد . لازم به تذکر است که اینان در حال تدارک یک فریبه بودند تا هم تلاقی تظاهرات دو شب قبل را در آورند و هم زهر چشی برای ۱۵ خرداد گرفته باشند . هنوز چند دقیقه ای از گفتگو نگذشته بود که ناگهان دانشجویان بوسیله گاردیهها محاصره میشوند و ضد و خورد شدیدی بین دانشجویان و گارد بوقوع میپیوندد که چند تن از دانشجویان مجروح میشوند . بقیه دانشجویان که در اطرافهای خود بودند با مشاهده صحنه زد و خورد همگی از اطرافهای خود خارج شده و با دادن شعار بطرف محل زد و خورد حرکت میکنند گاردیهها که در سه شب شبختم دانشجویان را تجربه کرده بودند این بار قبل از رسیدن دانشجویان با بفرار میگذاردند و داخل خیابان امیرآباد میگردند ، دانشجویان کماکان گاردیهها را تا انتهای خیابان امیرآباد (حدود ۲ کیلومتر) دنبال میکنند و چندین تن از گاردیهها را در زیر ضربات خود قرار داده و مجروح حشان میسازند .

سیس دانشجویان از در ورودی خوابگاه دختران وارد محوطه خوابگاه میشوند و دوباره همانند سه شبه شبدر مقابل در ورودی تجمع میکنند و ازورود گارد به محل خوابگاه جلوگیری میکنند ، عده زیادی از دانشجویان دختر و پسر دیگر در مسیر خیابان اصلی خوابگاه با دادن شعارهایی از قبیل " مرگ بر این حکومت یزیدی " ، " اتحاد ، مبارزه ، پیروزی " ، " گارگر ، دهقان ، دانشجوی " ، درود بر خمینی " ، " این شاه امریکائی باید اعدام گردد " و ... شروع به تظاهرات میکنند . هنوز بیش از ۱۵ دقیقه از تظاهرات نگذشته بود که پلیس برای متفرق کردن دانشجویان شروع به تیر اندازی هوایی و پرتاب گاز اشک آور میکند . ولسی دانشجویان لحظه ای در مقابل پلیس عقب نشینی نمیکنند و تا حدود ساعت ۵ / ۱۲ به تظاهرات ادامه میدهند .

پس از پایان تظاهرات تمامی دانشجویان به اطرافهای خود میروند و سکوت سراسر خوابگاه را فرا میگیرند . هنوز چند دقیقه ای از پایان تظاهرات گذشته بود که سیل کامیونهای ارتش و گسارد شهربانی و گارد دانشگاه و کماندوها به طرف خیابان امیرآباد سرازیر میشوند ، حدود ۱۰ اتوموبیل سواری پلیس تهران در امتداد خیابان امیرآباد مستقر میشوند و خوابگاه را محاصره میکنند . سپس حدود ۳۰۰ نفر از کماندوها و مامورین گسارد دانشگاه وارد محوطه خوابگاه میگردند و بسا رژه رفتن و پای کوبیدن بر زمین و شعارهای چندش آور " جاوید شاه " دادن ، سعی میکنند که محیط ارباب و وحشی را بوجود آورند . عده ای از آنها با مستقر شدن در بین خوابگاه های پسران و دختران ارتباط این دو خوابگاه را با یکدیگر قطع میکنند و برخی دیگر بسا حرکت در مسیر خیابان اصلی خوابگاه از خارج بقیه در صفحه ۲

سه شبه ۹ خرداد ماه دانشجویان دختر ساکن کوی امیرآباد بدنبال صدور بیانیه ای که در آن خواستار گفتگو با سرپرست خوابگاه دختران " صدیقه آذر پیرا " پیرامون مقررات سخت و اختناق حاکم بر کوی دختران بودند در سالن خوابگاه اجتماع میکنند . (لازم به تذکر است که مقررات خوابگاه دختران بسیار سخت است) . سرپرست خوابگاه طبق معمول حاضر به گفتگو با دختران نمیشود و آنها را تهدید می کند که به اطرافهای خود بر گردند و گرنه پای گارد دانشگاه را در اطرافهای آنان باز خواهد کرد . دختران به گفته های سرپرست اعتناشی نکرده و با خاموش کردن چراغهای اطرافها و سا لنها ، تظاهرات خود را با شعارهایی از قبیل ما سرپرست نمیخواهیم ، ما حضور و غیاب نمی خواهیم ، مرگ بر این حکومت یزیدی آغاز می کنند . در این هنگام درهای ورودی ساختمانها بوسیله نگهبانان بسته میشود و ازورود دختران به داخل محوطه خوابگاه پسران جلوگیری میگردد چند لحظه بعد کامیونهای گارد دانشگاه وارد خوابگاه میشوند و در مقابل ساختمانهای خوابگاه دختران از کامیونها پیاده میشوند و خود را برای حمله به دختران آماده میکنند ، دانشجویان دختر به محض مشاهده گاردیهها بسا فریادهای خود که فضای خوابگاهها را پر کرده بود دانشجویان پسر را از این جریان با خبر میکنند . پسران با شنیدن فریادهای دختران همگی سراسیمه بطرف خوابگاه دختران حرکت میکنند . گاردیهها با مشاهده انبوه جمعیت دانشجویان (حدود هزار تا هزار و دویست نفر) بلا فاصله سوار کامیونهای خود میشوند و بسوی خوابگاه پسران بحرکت در میآیند . در اواسط خیابان اصلی کوی از کامیون ها پیاده میگرددند و به دانشجویان پسر که در حال حرکت به طرف خوابگاه دختران بودند حمله میکنند . در لحظات اول دانشجویان پسر کمی عقب نشینی میکنند ولی بلا فاصله دانشجویان با پرتاب سنگ حمله خود را بطرف گاردیهها آغاز میکنند و آنها را در زیر بارانی از سنگ قرار میدهند . گاردیهها که دیگر قدرت مقاومت در برابر دانشجویان را در خود نمی بینند با بفرار میگذاردند و دانشجویان هم آنها را دنبال کرده و از محوطه خوابگاه اخراج میکنند . پس از خروج گارد از خوابگاه دانشجویان در مقابل در ورودی خوابگاه تجمع میکنند و از ورود گارد به محوطه خوابگاه جلوگیری میکنند .

در این حین دانشجویان دختر با شکستن میله های درهای ورودی و با در دست داشتن عکس به آتش کشیده شاه خود را به پسران می رسانند و دوشادوش آنها در تظاهرات تکیه ساعت ۱۲ شب ادامه داشت شرکت میکنند . بعد از ساعت ۱۲ دانشجویان همگی به اطرافهای خود میروند و بدین ترتیب تظاهرات سه شبه به پایان میرسد . پس از پایان تظاهرات در حدود ساعت یک بعد از نیمه شب چند تن از ماموران گسارد وارد یکی از ساختمانهای خوابگاه پسران می شوند و دو تن از دانشجویان را که در اطرافهای خود مشغول مطالعه بودند دستگیر و آنها را روانه مرکز گارد دانشگاه میکنند . فردای آنروز بیانیه ای به امضای دانشجویان پسران کوی دانشگاه در سراسر خوابگاه ها بسا دیوارها نصب میگردد . در این بیانیه از دانشجویان خواسته شده بود

اخبار ، مقالات ، نظرات و کمکهای مالی خود را برای ما بفرستید .

C.I.S.N.U. 75 Karlsruhe Postfach 1953 W.Germany	آدرس ، دفترخانه مرکزی کفدرایون
P.O.Box 4142 Berkeley Ca. U.S.A. 94704	دفترخانه انتشارات

عز آذر
را به
ایران بفرستید

تیرد رویاروی با دستگاه حکومت ضد خلقی شاه بر خاسته اند .

اخبار مبارزات ۳ه تیر شیراز . در پنجشنبه شب ، ۲۹ تیرماه ، اجتماع چند هزار نفره بی در مسجد جامع تشکیل شده بود که به یک تظاهرات وسیع و گسترده ضد رژیم تبدیل گردید . پس از ختم مراسم مذهبه در درون مسجد مردم گروه گروه شروع به خارج شدن نمودند . در همین زمان اعلامیه های سیاسی و ضد رژیمی بمقدار وسیعی در بین مردم پخش گردید . پلیس که از قبل بعلت اینگونه تجمعات و تبدیل آنها بآزارت ضد رژیمی انتظار چنین حرکتی را داشت در جلوی در مسجد خندق بزرگ و عمیقی خفر نمود بود تا مردم نتوانند بطور دسته جمعی از مسجد خارج گردند . اجتماع بیش از چهار هزار نفره مردم بعد از اینکه در جلوی مسجد با این رویو گردید به شعار دادن پرداخته و پس از نیم ساعت جنگ و گریز با پلیس (از ساعت ۱۱ تا ۱۱/۵) از مسیر کوچهای پشتی خود را به خیابانها رساندند . در این میان مردم مبارز توانستند دلیرانه را که بدست ما رسیده است ، در اختیار تمام هم میهنان مبارزو کسانیکه دل در گرو آزادی و استقلال ایران دارند ، می نهیم . روشن است که آنچه در زیر آمده است تنها بیانگر لحظاتی کوتاه و صحنه هایی کوچک و محدود ازین مبارزات میباشد و مردم دلاور ما بسیار بیشتر ازین به



بانک صاحبان طلا در آتش خشم خلق میسوزد

قیامهای توده بی و عقب نشینی رژیم شاه

بموجب آخرین اخباری که بدست ما رسیده است ، در پی قیامهای وسیع توده بی در شهر های مختلف ایران و از جمله تهران ، اهواز ، آبادان ، تبریز ، قزوین ، اراک ، قاسم و ... رژیم شاه که یارای مقاومت را در خود نمیدید ، مجبور به عقب نشینی شده و ارتش ارتجاع عیش را ، که قرار بود یک ماه در افغان مستقر باشد ، پس از چهار روز از شهر بیرون بسرد . محمد رضا شاه جلاد ، از زبان فرماندار نظامی افغان ، مجبور به اعتراف به این حقیقت شد که امروز هر عاملی بحد اوست و حتی سربازان مسلسل بدست و تانک و توپ نیز بعضی آنکه در دل مردم بسا خسته ایران رعب و هراس اندازد ، باعث تشدید مبارزه آنها میگردد . زحمتکشان ایران یکبار دیگر نشان دادند که قدرت واقعی از آن آنهاست و صلابت ظاهری ارتجاع با نیروی تاریخساز آنان درهم کوفته خواهد شد . کوبنده باد مشت رنجبران ایران

کارگر ، دهقان ، دانشجوی پیروز است !